

مدیریت شهری

شماره ۴۶ بهار ۹۶

No.46 Spring 2017

۶۱-۷۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۱۳

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۲

جهانی شدن و تأثیر آن بر حق به شهر

کیارش کاظمی - دانشجوی کارشناس ارشد شهرسازی (طراحی شهری)، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

میلاد تفنگچی مهیاری* - دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری)، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Globalization and its impact on the right to the city

Abstract

Globalization is a phenomenon that has occupied the minds of many thinkers and politicians have. The diversity and different features of globalization and its impact on different aspects of urban life leaves many urban planners and politicians would certainly have been closer integration with the international community; Another idea that has spread across cities, the notion of "right to the city" to emphasize the rights of residents in the city. This study investigates the effects of globalization on the right to the city's residents. In the study, globalization and the right to study and then study the effect of globalization on the right to the city will be discussed.

Key words: globalization, the right to the city, urban space, urban economics

چکیده

جهانی شدن پدیده‌ای است که امروزه ذهن بسیاری از اندیشمندان و سیاستمداران را به خود مشغول کرده است. ابعاد گوناگون و ویژگی‌های مختلف جهانی شدن و تأثیراتی که بر ابعاد مختلف زندگی شهری می‌گذارد، موجب تردید بسیاری از شهرسازان و سیاستمداران در اختلاط بیشتر با جامعه جهانی شده است. انگاره دیگری که امروزه در سراسر شهرهای جهان رواج یافته است، انگاره «حق به شهر» است که به حق ساکنان شهر در اداره شهر خود تأکید دارد. پژوهش پیش رو به بررسی تأثیر پدیده جهانی شدن بر حق به شهر ساکنان شهر می‌پردازد. در مسیر پژوهش، ابتدا پدیده جهانی شدن و سپس حق به شهر بررسی می‌شود و سپس به بررسی تأثیر جهانی شدن بر حق به شهر پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، حق به شهر، شهر، فضای شهری، اقتصاد شهری

۱- مقدمه

دنیای ما و زندگی ما به دست جریان‌های متضاد جهانی شدن و هویت شکل می‌گیرد. انقلاب تکنولوژی اطلاعات و بازسازی ساختار سرمایه‌داری، شکل تازه‌ای از جامعه یعنی جامعه شبکه‌ای را پایه‌گذاری کرده است. وجه بارز این جامعه، جهان‌شمول شدن آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که اهمیت استراتژیکی قاطعی دارند (کستلز b، ۱۳۸۰، ص ۱۷). جهانی شدن و افزایش بی‌سابقه ارتباطات، شهرها و ساکنان آنان را از ابعاد گوناگون، تحت تأثیر قرار داده است. تغییرات حاصله بسیار سریع صورت پذیرفته است و نیز این تأثیرات در شهرهای کشورهایی که به تازگی از تقابل با جهانی شدن به پیوستن و افزایش ارتباطات با شبکه ارتباطات چند بعدی جهانی تغییر مسیر داده‌اند، بیشتر از کشورهای عضو پیشین خواهد بود. این تغییرات سریع تأثیرات فراوانی بر سبک زندگی، فضاهای شهری، اقتصاد شهری و سایر ابعاد زندگی شهری خواهد گذاشت.

به نظر می‌رسد، تغییرات عنوان شده بر شهر و فضای شهری، میان حاکمیت ساکنان، حاکمیت نهادهای حکومتی و حاکمیت سرمایه‌داران، قدرت حاکمیت سرمایه‌داران را افزایش دهد. بنابراین شهر در حال شکل‌گیری بر اساس خواست ساکنان آن شکل نگرفته و سرمایه‌داران شکل‌دهنده شهر و فضاهای شهری هستند. انگاره حق به شهر، بر حاکمیت ساکنان شهر بر شهر و شگل‌گیری شهر و فضاهای شهری توسط استفاده‌کنندگان از آن تأکید می‌کند. پژوهش پیش رو پس از بررسی ابعاد گوناگون جهانی شدن و تأثیرات آن (با توجه ویژه به فضای شهری) بر شهر، به بررسی انگاره حق به شهر و سپس تأثیرات جهانی شدن بر شهر با توجه به انگاره حق به شهر می‌پردازد. در انتهای نیز تحلیلی از فرآیند جهانی شدن و بررسی حق به شهر در این فرآیند در شهر تهران صورت می‌گیرد.

در دهه‌های اخیر، جهانی شدن یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در محافل مختلف دولتی، دانشگاهی و خصوصی بوده است. اهمیت این

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۶۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۶۳

را با توسعه جوامع جدید مرتبط می‌سازد. از نظر گیدنز جامعه مدرن بعد از اروپای فئودال و یا نمونه‌های جدیدتر آن اطلاق می‌شود که دارای چهار ویژگی نهادی و سازمانی است (Giddens, ۱۹۹۰: ۵۵-۶۳). می‌توان گفت جهانی شدن نظریه ای است که بعد از افول پارادایم‌های دو قطبی بر جهان، ارائه شد و جغرافیای توسعه را با تغییراتی نوین مواجه ساخت (فنی، ۱۳۸۸، ص ۹۲). جهانی شدن واقعیتی کلی است که ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... را شامل می‌شود و در واقع باید آن را به مثابه یک نظام اجتماعی نوین دید که کارکردهای مختلفی در ابعاد گوناگون دارد. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که جهانی شدن بیشتر جنبه اقتصادی دارد و یکی از برجسته‌ترین تحولاتی که در سالهای اخیر به وقوع پیوسته همگرایی و ادغام اقتصادهای ملی در اقتصادهای جهانی بوده است که در پی پیشرفت‌های تکنولوژیک و فناوری اطلاعات و در بستری از سیاستهای آزادسازی به پیش رفته است. از آنجا که جهانی شدن فرایندی چند بعدی است، منطقی است که شاخصهای مختلفی نیز برای آن وجود داشته باشد که هر یک ابعاد مختلفی از آن را پوشش دهد. ساسن ظهور شهرهای جهانی و اهمیت یابی اقتصادی آنها در سه دهه اخیر را ناشی از ظهور سرمایه‌های سیال شرکت‌های چند ملیتی و سازماندهی تولیدات آنها در مقیاس جهانی به مدد پیشرفت‌های فناوری اطلاعات عنوان کرده است. او یک روند معطوف به سازمان اقتصادی یکپارچه ولی پراکنده جهانی را شناسایی می‌کند که پیامد آن نقش استراتژیک نوین برای مادر شهرها به عنوان سمت‌های فرماندهی بسیار متمرکز اقتصاد جهانی بوده است (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷).

با تشدید فرایندهای جهانی شدن و تأثیرات آن بر شهرها، تعاریف شهر جهانی نیز ارتباط بیشتری با پاسخ شهرها به جهانی شدن می‌یابند. در این دوره، «جان فریدمن» شهر جهانی را مکان استقرار مراکز بزرگ مالی، ادارات شرکتهای فراملی، مؤسسات موضوع از تأثیرگذاری فرآیند جهانی شدن بر سیاستهای اقتصادی، الگوهای مدیریتی، فقر و دولتمندی، روندها و الگوهای توسعه ملی و محلی، فرهنگها و عقاید گوناگون محلی، روابط بین افراد، مقیاس جهانی تأثیرات و عملکردها و... ناشی می‌شود.

«برخی محققین در تبیین این پدیده بر تغییرات در اقتصاد جهانی نظیر از هم پاشیدگی رژیم پولی «برتون وودز» در اوایل دهه ۱۹۷۰، افزایش اهمیت شرکتهای فراملی، مقررات زدایی از سرمایه‌های پولی، آزادسازی جریان تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه وسیع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه شدید فناوریهای ارتباطات و اطلاعات و کاهش هزینه و زمان در حمل و نقل و ارتباطات راه دور تمرکز می‌کنند. برخی دیگر، جهانی‌شدن را با انواعی از تهدیدات و تغییرات در اشکال تثبیت شده قدرت دولتهای ملی مرتبط می‌دانند. گروهی نیز بر ظهور اشکال جدید هویت جمعی، جابجایی و تفرق سیاسی توجه دارند که اغلب با واسطه فناوریهای جدید اطلاعاتی، مبانی ملیت را به عنوان مثالواره روابط اجتماعی روزمره، بر هم زده اند» (Brenner, ۲۰۰۴: ۳۱). محققان از منظرهای گوناگونی درباره جهانی شدن بحث می‌کنند که موجب تنوع تعاریف و توصیفات درباره این پدیده می‌شود. اما این جهانی شدن تضادهایی را در ارتباط با حق به شهر پدید می‌آورد. در ادامه ابعاد گوناگون جهانی شدن برای ورود به بحث، شرح داده می‌شود.

۱. ابعاد مختلف جهانی شدن

مانوئل کاستلز در کتاب عصر اطلاعات، جهانی شدن را نوعی ظهور اطلاعات می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پنهانه اقتصاد جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۴۰). دیوید هاروی جهانی شدن را فشردگی زمان و مکان معرفی می‌کند که در کتاب وضعیت پست مدرنیته این فرآیند را در یک نمودار نشان می‌دهد که چهار نقشه از کره زمین را طی زمان به تصویر کشیده است (Harvey, ۱۹۹۹: ۲۴۱). «آنونی گیدنز» فرآیند جهانی شدن

ارتباط بین پنج بعد آن است:

- (۱) فرآگیری قومی (حرکت مردم); (۲) فرآگیری رسانه ها؛ (۳) گسترش تکنولوژی؛ (۴) فرآگیری مالی؛ (۵) گسترش ایده ها (Appadurai, ۱۹۹۰).

پیزارو و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند فرم شهری و محصول شهرسازی می توانند به بهترین حالت در حاصل چهار بعد جهانی شدن دیده شوند: سرمایه، جمعیت، اطلاعات و فرهنگ. در بعد سرمایه معتقدند که بهترین نمونه تغییر، تغییر ساختار اقتصاد جهانی به دلیل همکاری های فرامی است. مهاجرت جهانی و تحرك نیروی کار و تسريع شهری سازی شامل مهاجرت روستا به شهر ناشی از تغییر ساختار اقتصادی، مثال هایی از جنبه های

بینالمللی با رشد سریع خدمات کسب و کار، استقرار کارخانه های مهم، گره های حمل و نقلی مهم و جمعیت زیاد توصیف کرد (Friedman, ۱۹۸۶: ۳۲۰). در تعریف فریدمن به ماهیت اقتصادی شهرها بیشتر از قبل توجه شد. وی در سالهای بعد، شهر جهانی را فضایی کوچکتر از کل جهان برای انباست سرمایه و همچنین فضاهای شهری بزرگ با تعاملات اقتصادی و اجتماعی فشرده معرفی کرد (Friedman, ۱۹۹۵).

«آنتونی کینگ»، جوهری ترین خصیصه شهر جهانی را کارکرد هدایتگری آن در اقتصاد جهانی میداند که خصوصیات سیاسی - جغرافیایی اساسی به آنها می بخشد (King, ۱۹۹۱: ۲۵). ساسن، شهر جهانی را مکان های تولید خدمات تخصصی مورد نیاز مجموعه ای از سازمانها و شرکتها برای اداره شبکه پراکنده ای از کارخانجات، ادارات و پایانه های فروش خدمات و مکان های تولید نوآوری های مالی و بازاریابی برای بین المللی سازی و توسعه صنایع مالی توصیف میکند. از نظر وی آنچه در شهر جهانی تولید میشود، خدمات تخصصی و کالاهای مالی است (Sassen, ۲۰۰۱: ۵). بنابراین این دو (ساسن و کینگ) جهانی شدن را از دید اقتصادی می نگرند. اپدورای (۱۹۹۰) معتقد است پدیده جهانی شدن

مشمول جمعیت هستند. توسعه و انتشار اطلاعات و ارتباطات تکنولوژی مانند تلفن همراه، بشتاب های ماهواره و ارتباط اینترنتی می توانند به عنوان جنبه اطلاعات بیان شوند. و در نهایت پخش رسانه های محبوب نظیر تلویزیون، سینما، موسیقی و مستندات می توانند به عنوان جنبه فرهنگی نگاشته شوند (Pizzaro and et al, ۲۰۰۳: ۱۱۳).

در آثار نویسندها و پژوهشگران مختلف، فرآیند جهانی شدن در چارچوب ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نقطه اشتراک طبقه بندي های ارائه شده از ابعاد جهانی شدن، تأکید بر ماهیت چند بعدی و میان رشته ای یا فرا رشته ای این پدیده بوده است. بر اساس مروری گذرا بر متون موجود، فرآیند جهانی شدن معمولاً در سه بعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی- اجتماعی موجود مورد توجه قرار گرفته است. به هر ترتیب «امروزه تقریباً همه با این نظر کلی موافق هستند که جهانی شدن یک فرآیند چند بعدی است که به طور همزمان در حوزه های اقتصاد، سیاست، محیط زیست، نهادینه شدن فناوری ها و فرهنگ رخ می دهد» (تاملینسون، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵). در این زمینه شورت و کیم (۱۳۸۴) معتقدند که می توان «به شکل سودمندی سه حالت مرتبط با جهانی شدن را تشخیص داد که شامل جهانی شدن اقتصادی (اقتصاد واحد جهانی)، جهانی شدن فرهنگی (فرهنگ جهانی واحد) و جهانی شدن سیاسی (سیاست جهانی واحد) است» (شورت و کیم، ۱۳۸۴، ص ۴). از این رو می توان جهانی شدن را در سه بعد اصلی جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن فرهنگی بررسی کرد.

۲.۲ تأثیر جهانی شدن بر شهر و فضاهای شهری جهانی شدن موجب تغییرات گسترهای در ابعاد سرمایه، جمعیت، اطلاعات و فرهنگ کشورها می شود. در این بخش به بررسی تأثیر این ابعاد بر فضای شهری پرداخته می شود.

(۱) جهانی شدن سرمایه: تأثیر گذارترین بخش جهانی شدن بر فضای شهری، جهانی شدن سرمایه است.

دریی شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۶۵

تغییر انقلابی در جامعه انسانی متمرکز می‌شود. از طریق الهام از مارکس، هگل، نیچه و هایدگر، پروژه فکری و سیاسی لوفور برای پیشنهاد نقد جامعه موجود به منظور باز کردن راهی به سمت جامعه‌ای دیگر، جهانی ممکن فراتر از سرمایه‌داری، دولت و جامعه مصرفی بود. این امر بسیار منصفانه است که این جامعه جدید را سوسياليست بخوانیم، جامعه‌ای که از بسیاری از جنبه‌ها از چیزی که توسط مارکس و انگلیس در مانیفست کمونیست استناد شده است،

الهام گرفته است. اما مانند دیگر متفکران رادیکال در فرانسه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، لفور عمیقاً از سوسياليسم دولتی توتالیتیر که در اتحاد جماهیر شوروی، اروپای شرقی و چین به وجود آمد انتقاد می‌کرد. بسیاری از همنسانان او نظیر «کورنلیوس کاستوریادیس»، «گی دبور»، «ژیل دلوز»، «فلیکس گتاری» و «میشل فوکو» همگی از استالینیسم چه در اتحاد جماهیر شوروی و چه در حزب کمونیست وقت

فرانسه وحشت زده شده بودند. در نتیجه کار تمام این متفکران علاوه بر واکنش در برابر سرمایه‌داری واکنشی در برابر دولت و سلطه بروکراتیک است.

بنابراین روشن شدن این موضوع که لوفور چه فهمی از سوسياليسم داشت بسیار مهم است. ابدأ این فهم سوسياليسمی بروکراتیک نبود که دولت در آن توسط حزب کارگر فتح شود و به آن تسلط یابد. بلکه همان طور که خواهیم دید، سوسياليسم وی بر زوال دولت و جامعه خودحاکم جمعی پافشاری دارد. علاوه بر این، این سوسياليسم جامعه‌ای ایده‌آل و معین نیست. این جامعه به درستی یک پروژه باز است، پروژه‌ای که ما را در یک جهت حرکت می‌دهد، به سمت افقی فراتر از سرمایه‌داری و جامعه دولتی بروکراتیک کنونی سوق می‌دهد اما خروجی‌های

دقیق آن نمی‌تواند کاملاً شناخته شود.

همان طور که این فهم از سوسياليسم نشان می‌دهد، اگرچه لوفور بسیار مارکسیست بود اما به هیچ وجه مارکسیستی ارتودوکس نبود. یکی از تجلی‌های دگراندیشی وی در قربت او به مارکس جوان است،

با پیوستن کشورها به اقتصاد جهانی، شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌داران بزرگ جهان جهت سرمایه‌گذاری به شهر وارد می‌شوند. ورود سرمایه این سرمایه‌داران که جهت کسب سود بیشتر صورت می‌گیرد (و به تولید کشور توجهی ندارند) به طور عمده در بخش زمین و ساختمان‌سازی مصرف می‌گردد. آنان فضاهای شهری را مطابق خواست خود شکل داده و شهر مطابق نظر سرمایه‌گذاران خارجی شکل می‌گیرد.

(۲) جهانی شدن جمعیت: با ارتباطات جهانی و سرمایه‌گذاری‌ها و تبلیغات گستردۀ بسیاری از روستاییان جهت کسب شغل مناسب به شهر هجوم می‌آورند. از آنجایی که شغل و درآمد مناسبی برای روستاییان وجود ندارد و تولیدات به دلیل هجوم برندهای بزرگ متوقف می‌شود، بسیاری از روستاییان و نیز اقشار فرودست جامعه، از شهر اخراج می‌شوند.

(۳) جهانی شدن اطلاعات: ارتباطات گستردۀ میان مردم به وسیله اینترنت و ابزار الکترونیکی، می‌تواند موجب تجمع بسیاری از ساکنان در یک فضای شهری شود و رویدادهای گوناگونی را به وجود آورد.

(۴) جهانی شدن فرهنگ: با ارتباطات گستردۀ نظیر تلویزیون و اینترنت، بسیاری از فضاهای شهری در خارج از کشور، به عنوان فضایی خوب در ذهن ساکنان نقش می‌بندد. این امر موجب تغییر تصویر ذهنی ساکنان از فضای خوب شهری شده و برداشت ذهنی بصری آنان را از فضای شهری تغییر می‌دهد. این امر موجب شکل‌گیری معماری جهانی گشته است.

۳. حق به شهر

۳.۱. لوفور و حق به شهر

«هانری لوفور» یک متفکر فرانسوی بود که حرفه وی روی بیشتر قرن بیستم است. کار او طیف وسیعی دارد، از فلسفه رادیکال تا جامعه‌شناسی روستایی تا مطالعات شهری تا تئوری دولت. اگرچه تفکر وی از طریق تعهد راسخ به پروژه تصویرسازی و دستیابی

تقلیل‌گرائی طبقه بسیاری مارکسیست‌ها تا تمايل سرمایه‌داری به تقلیل همه ارزش‌های انسانی به ارزش‌های اقتصادی. او بی‌رحمانه از فهم همه‌جانبه زندگی اجتماعی طرفداری می‌کرد، زندگی‌ای که همواره متوجه بسیاری جوانب تجربه انسانی است (Lefebvre, ۱۹۷۴/۱۹۹۱). روشی که او تلاش کرد تا آن را به انجام برساند، همان‌طور که خواهیم دید، پیش‌کشیدن مسأله فضا در مفهوم عام و شهر در مفهوم خاص بود. او امیدوار بود که تحلیل فضا بهخصوص تحلیل «فضاهای زیست‌شده» که مردم عملی آن را تجربه می‌کنند، خواهد توانست زندگی انسانی را به عنوان کلیتی پیچیده درک کند و از تقلیل فهم ما از تجربه به خردگان کوچک زندگی نظری منزلت طبقاتی، جنسیت، نژاد، درآمد، رفتار مصرف، وضعیت تأهل و نطاير آن جلوگیری کند. همین‌طور، هدف لوفور گشایش فهمی از شهر به عنوان کلیتی پیچیده، به عنوان انبوهی بی‌شمار از تمايلات و گرایش‌های متفاوت که قابلیت تقلیل به قواعدي اقتصادي نیستند، بود (۱۹۷۰، ۱۹۷۲). در اینجا او انتقاد را در جهتی مخالف از بسیاری از دیدگاه‌های اقتصادی به شهر، حقوقانی نظری دیوید هاروی (۱۹۷۳) و مانوئل کستلز (۱۹۷۲/۱۹۷۷)، که شهر و فضای شهری را بیشتر به عنوان نتیجه‌ای از فرآیند تولید سرمایه‌داری درک کرده‌اند، تجربه کرد. در این زمینه، ما قادر به خوانش توجهات لوفور هستیم، توجه به فضا و شهر به عنوان راهی برای رهایی از محدودیت‌های رویکرد اقتصادگرایانه و تئوریزه کردن کنش‌گران فراتر از کنش‌گر طبقه‌ای، سایتهاي سیاسی فراتر از محیط کار (Lefebvre, ۱۹۷۴/۱۹۹۱ p: ۳۸۶) و نیروهای تاریخی فراتر از تولید اقتصادی. لوفور توسط متعصبانی به دلیل این‌که به فضا بسیار خودمختاری می‌دهد و اعتقاد راسخ به این‌که اساس اقتصادی جامعه در نهایت فضا را تعریف می‌کند را رهایا کرده است، مورد سرزنش قرار گرفت. یک بحث طولانی و گمراه‌کننده درباره اهمیت فضا در جامعه شهری، ابتدا در مطالعات مخصوصاً «درباره مسأله یهود»، «نقد فلسفه حق هگل» و دستنوشته‌های ۱۸۴۴ در مقایسه با کارهای متأخر مارکس، مخصوصاً سرمایه، در این کارهای متقدم او توجه کمتری به نقد سرمایه‌داری داشت و بیشتر به کشف آن‌چه که مردم لایق آن هستند اگر آن‌ها از سلطه بورژوازی در هر شکل آن آزاد می‌شدند می‌پرداخت. خصوصاً لوفور در این‌جا از نقد مارکس از دولت که نقدی است که در راستای دولت و انقلاب لنین است الهام می‌گیرد و اساس استدلال لوفور علیه دولت را شکل می‌دهد (Lefebvre ۱۹۷۶-۲۰۰۹؛ Lefebvre ۱۹۷۸ و آن‌چه که در کار لوفور ظهور می‌یابد مارکسیسمی است که دولت را رد می‌کند و خود را به عنوان پرورش‌ای باز و تکاملی بروز می‌دهد، رد می‌کند و همچنین می‌آید تا خود را به عنوان چیزی بیش از پرورش‌ای دموکراتیک، به عنوان مبارزه‌ای توسط مردم برای رهایی از کنترل سرمایه و دولت و مدیریت فعالیت‌های خود توسط خودشان، فهم کند. بنابراین سیاست وی در زمان‌هایی تقریباً نزدیک‌تر به آنارکو-سنديکاليسیم یا سوسیالیسم لیبرالی است تا مارکسیسم به مفهوم کششی به نقد سرمایه مارکس در کارهای متأخرش. ما توسط این نقد نابود شده‌ایم و تئوری پردازی شکل‌های دیگری از زندگی را نادیده گرفته‌ایم (Brenner & Elden pp, ۲۰۰۹)؛ در نتیجه دستور کار مارکسیسم، که یکی از ناشایسته‌های آن نیز است، برای حزب کارگر به تصاحب دولت و طبقات ملغی شده و رابطه مالکیت تبدیل شده است. لوفور می‌گوید «انقلاب زمان زیادی هم به مفهوم تغییر سیاسی در سطح دولت و هم به مفهوم مالکیت جمعی به ابزارهای تولید معنی شده است... امروزه چنین تعاریف محدود شده‌ای از انقلاب لایق آن نخواهد بود» (Lefebvre, ۱۹۷۴/۱۹۹۱ p: ۴۲۲).

عنصر دیگری از دگراندیشی لوفور خرده گرفتن از تقلیل‌گرایی و اقتصاد‌گرایی طبقه بود. لوفور تقلیل‌گرائی را در تمام اشکال تقبیح می‌کرد، از

آن چه اهمیت دارد، ماندگاری این فضا در گذر زمان است. حال آنکه فضاهای تولید شده بر اساس روابط سرمایه‌داری به دلیل جهت‌گیری بر اساس مد جامعه که زودگذر است، دور انداخته می‌شوند. اما نکته اساسی این است که چگونه می‌توان فضاهایی ماندگار و تطبیق‌پذیر با زمان تولید کرد؟ این امر از طرفی با اهتمام به خواست مردم و از طرف دیگر خلاقیت طراح ممکن به نظر می‌رسد.

به دلیل آنکه فضای عمومی در مقام تجلی عموم (فرهنگی، سیاسی، و غیره) نقش بازی می‌کند دارای ارزش استفاده است، گرچه بازار جهت افزایش ارزش مبادله‌ای جهت بیرون راندن ارزش استفاده بر آن فشار وارد می‌کند (Harvey, ۱۹۹۹; Madanipour, Lefebvre, ۱۹۹۱؛ ۶۷:p, ۱۹۹۱, Lefebvre, ۱۹۹۶:p, ۲۱۸). بازار و حق به شهر ارزش استفاده را والاتر می‌داند. بدین ترتیب در اندیشه حق به شهر حاکمیت اداره شهر به ساکنان آن سپرده می‌شود و ساکنان خود، شهر خود را اداره می‌نمایند.

۳.۲. تولید فضا بر اساس حق به شهر
لوفور در ارتباط با فضای شهری مفهومی به شرح زیر ارائه می‌کند:

(۱) کنش فضایی: کنش فضایی تجربه کالبدی ناظر درباره درک چگونگی جهان بیرونی، تناقضات زندگی روزمره، گونه‌شناسی شهری و ریخت‌شناسی شهری است (حبيبي، ۱۳۹۱). تجارب و کارهای معمول روزانه که فضای اجتماعی خود را ترشح می‌کند. این عملکردها (فعالیت‌های روزانه زندگی) به طور مداوم میان دو گونه فضای اجتماعی میانجی گری می‌کند.

(۲) بازنمایی‌های فضا: که به ارتباطات تولید و دستوری که آن ارتباطات تحمیل می‌کنند و بنابراین می‌فهمند، علامتگذاری می‌کنند، رمزگذاری می‌کنند و روابط رو به جلو ۲۱ را پایه ریزی می‌کنند (Lefebvre, ۱۹۹۱:p, ۳۳). این فضا، فضای پنداشته، فضای اندیشمندان، برنامه ریزان، شهرسازان، تکنولوژی‌های طبقه‌بندی‌کننده و مهندسان

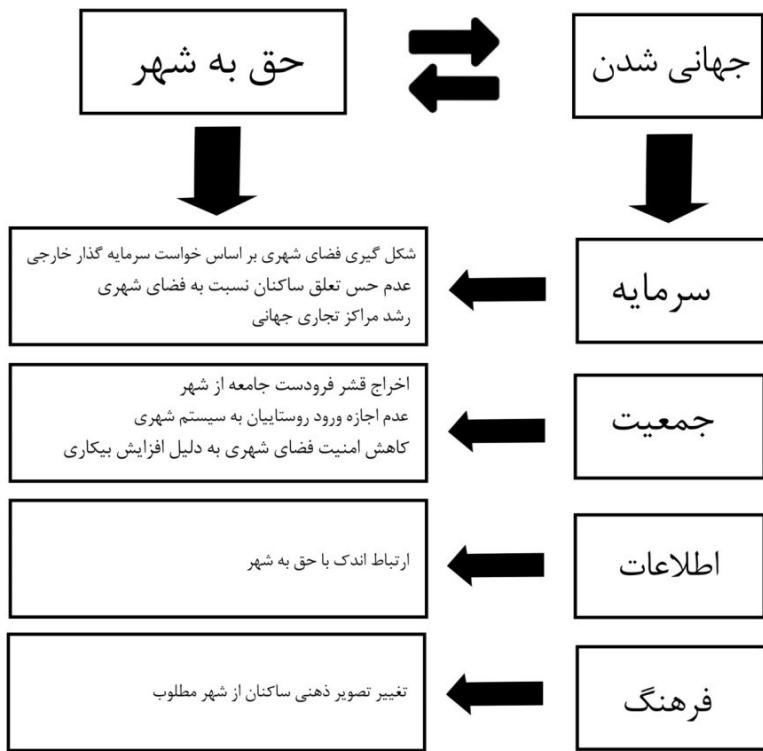
شهری و جغرافیایی رخ داد (Soja, ۱۹۸۰, ۱۹۸۵, ۱۹۸۴, Fainstein & Fainstein, ۱۹۸۲, Katznelson, ۱۹۸۷, Logan & Molotch, ۱۹۹۲, Smith, ۲۰۰۳).

۳.۳. شهر و حق به شهر

عبارت «حق به شهر» برای اولین بار توسط جامعه شناس فرانسوی، هانری لوفور در سال ۱۹۶۸ م. و در قالب کتاب وی، حق به شهر به کار گرفته شد. لوفور معتقد بود فضاهای شهری پیش از دوران صنعتی شدن بسیار مطلوب تر از فضاهای شهری حال حاضر است. چراکه ارزش استفاده بر ارزش مبادله در دوران پیش از صنعتی شدن برتری داشته است. لوفور دسته بندی از شهرهای پیش از صنعتی شدن را اینگونه عنوان می‌کند:

«صنعتی شدن نکته انحراف انعکاس بر زمان ما را میسر ساخت. در حالی که شهر پیش از صنعتی شدن وجود داشته است. یعنی پیش پا افتاده ای در خود دارد اما مفاهیم آن به طور کامل تدوین نشده اند. بر جسته ترین آثار شهر، زیباترین آثار ۱۴ زندگی شهری در تاریخ پیش از عصر صنعتی شدن یافت می‌شوند» (Lefebvre, ۱۹۹۶, p: ۶۵-۶۶).

لوفور معتقد است «آثار ارزش استفاده است و تولید ارزش مبادله‌ای است» (Lefebvre, ۱۹۹۶:p, ۶۶). اما حال چگونه می‌توان آن آثار ارزشمند ماندگار را تولید کرد؟ همانطور که پیش تر عنوان شد، بسیاری از شهرسازان تنها به فرم آثار گذشته توجه نموده اند و آنها را فرم‌هایی الهی و ماندگار می‌دانند. در حالی که خواسته‌ها و تمناهای ساکنین در گذر زمان تغییر کرده است. فضاهای ساخته شده حاصل دانایی معمار و شهرساز از آنچه که استفاده‌کنندگان فضا تمای آن را دارند، است. آنان فضا را جهت استفاده آن می‌ساختند. در اروپا به شهرهای قرون وسطایی اشاره می‌شود، حال آنکه در خاورمیانه و نیز ایران می‌توان به فضاهایی نظیر میدان نقش جهان اصفهان که حاصل اراده حکومت و نقش اساسی طراح شهر در آن است اشاره نمود.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۶۸ ■

اجتماعی (به عنوان یک گونه قطعی هنرمند با تمایلات علمی)، همه آن هایی که تشخیص می دهند که چه زندگی شده، چه ادراک شده و چه پنداشته شده می باشد (Lefebvre, ۱۹۹۱: p. ۳۸).

۳. فضاهای بازنمایی: تجسم نشانه های پیچیده که بعضی رمزگذاری شده اند و بعضی نشده اند، به بعد پنهان و مخفی زندگی اجتماعی و نیز در نهایت به هنر (که کمتر ممکن است به رمز فضا نسبت به رمز فضاهای بازنمایی تعریف شود) مرتبط اند (Lefebvre, ۱۹۹۱: p. ۳۳).

بر این اساس هنگامی فضای شهری (کنش فضایی) مطلوبی حاصل می آید که فضاهای بازنمایی و بازنمایی های فضای شهری (کنش فضایی) مطلوبی حاصل می آید که فضاهای بازنمایی پدید می آید که فضای ذهنی ساکنان و شهرسازان به یکدیگر نزدیک گردند.

بنابراین برای دست یابی به فضای شهری مطلوب، باید با مشارکت با ساکنان و طراحی بر مبنای خواسته آنان با توجه به منابع موجود، حاکمیت

ساکنان بر شهر را پدید آورد.

۳. نتیجه گیری و جمعبندی

در این پژوهش جهانی شدن به چهار بعد سرمایه، جمعیت، اطلاعات و فرهنگ تفکیک گشته است. حال به تفکیک تأثیر هر بعد جهانی شدن بر حق به شهر ساکنان مورد بررسی قرار می گیرد:

(۱) سرمایه: با آزاد شدن ورود سرمایه به کشور، فضاهای شهری را سرمایه داران خارجی شکل می دهند. بدین صورت که بسیاری از سرمایه گذاران خارجی با سرمایه گذاری در ساخت و ساز شهر جهت کسب سود بیشتر، فضاهای شهری را شکل می دهند. این فضاهای عمدهاً مطابق سلیقه جهانی شکل گرفته و ساکنان شهر و استفاده کنندگان از فضاهای شهری نقشی در شکل گیری آنها ندارند. از آنجایی که ساکنان شهر، در ساخت فضاهای شهری شهر خود نقشی ندارند، شهر را از خود نمی پندارند و دچار نوعی از خودبیگانگی و عدم حس تعلق نسبت به شهر خود می شوند. از طرف دیگر به دلیل هجوم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۶۹

شهری، مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی، تهران.
- تامیلنسون، جان (۱۳۸۱) جهانی شدن و فرهنگ،
ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش های
فرهنگی.

- حبیبی، سید محسن (۱۳۹۱) میزگرد: نظریات
هانری لوفور درباره شهر و شهرنشینی، <http://anthropology.ir>

- شورت، رنای، جان و یونگ هیون کیم (۱۳۸۴)
«جهانی شدن و شهر»، ترجمه پانه آ لطفی
انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.

- فنی، زهره (۱۳۸۸) درآمدی بر جهانی شدن، توسعه
و پایداری، انتشارات سازمان جغرافیایی، تهران.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات- ظهور
جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان، افشن
خاکباز، جلد ۱، نشر طرح نو.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات- قدرت
هویت، ترجمه حسن چاوشیان، جلد ۲، نشر طرح
نو.

- Appadurai, A.(1990). Disjuncture and difference
in the global cultural economy. *Public Culture* 2, 2:
1-24.

- Brenner, N.(2004). New State Spaces :Urban Gov-
ernance and the Rescaling Of Statehood, Oxford
University Press.

- Brenner, N., & Elden, S. (2009). Introduction. In
N. Brenner and S. Elden (Eds.), *State, space, world:*
Selected essays by Henri Lefebvre (pp. 1-48). Min-
neapolis: University of Minnesota Press.

- Castells, M. (1977 [1972]) *The urban question: A
Marxist approach*. Cambridge, MA: MIT Press.

- Fainstein, N., & Fainstein, S. (Eds.). (1982). *Urban
policy under capitalism*. Beverly Hills, CA: Sage.

- Friedman, J. (1986), *The World City Hypothesis.
Development and change*, 17:69-83.

- Friedman, J. (1995), *Being in the World: Global-
ization and Localisation*, in Mike Featherstone (ed.)

سرمایه‌های عظیم خارجی به بخش ساخت و ساز،
مراکز تجاری جهانی و نیز ساختمان‌های بلند مرتبه
شکل خواهند گرفت. به علت آنکه شهر موجود
ظرفیت جمعیت وارد شده به شهر و نیز افزایش
استفاده از اتوموبیل را ندارد، دسترسی‌ها دشوار و
آلودگی هوای شهر نیز افزایش می‌یابد. از طرف
دیگر به دلیل روند رو با رشد ساخت مراکز تجاری
جهانی، بسیاری از فضاهای عمومی، بصورت خصوصی
درمی‌آید و اقتصاد کشور نیز به شرکت‌های چند
ملیتی و کشورهای خارجی وابسته می‌گردد.

(۲) جمعیت: افزایش ساخت و ساز، دورنمای شغلی
مناسبی را برای روستاییان، در ذهن آنان ترسیم
می‌کند. در نتیجه بسیاری از روستاییان جهت کسب
شغل و درآمد مناسب راهی شهر می‌شوند. از آنجایی
که ورود سرمایه خارجی به شهر صورت گرفته است،
نوعی اعیان‌سازی در شهر صورت گرفته و دیگر
شهر جایی برای اسکان روستاییان تازه وارد و نیز
قشر متوسط و ضعیف خود ندارد. بنابراین جمعیت
یاد شده به حومه شهر پناه می‌برند. از طرفی به
دلیل اخراج این افراد از شهر و درآمد پایین آنان و
نیز کمبود شغل مناسب، برخی از این افراد جهت
سپری کردن روزگار، دست به دزدی و غیره می‌زنند
و این موجب از بین رفتگی امنیت فضاهای شهری
باز و پناه بردن ساکنان به فضاهای شبه عمومی
مجتمع‌های تجاری می‌شود.

(۳) اطلاعات: تبادل سریع اطلاعات می‌تواند منجر به
تبليغ زندگی به سبک جهانی شود و تصویر ذهنی
شهر وندان از فضای شهری مطلوب را تغییر دهد.

(۴) فرهنگ: تأثیر تلویزیون و اینترنت در شکل‌گیری
تصویر ذهنی ساکنان از فضاهای شهری بسیار موثر
است. از این روی ترویج فرهنگ جهانی در تلویزیون
و اینترنت، تصویر ذهنی ساکنان را نسبت به فضای
شهری مطلوب و سبک مطلوب زندگی تغییر
می‌دهد.

منابع و مأخذ

- احمدی، میترا (۱۳۸۷) جهانی شدن و پایداری

- Global Culture: Nationalism, Globalization and Modernity, 6th edn, pp. 311-28. London: Sage.
- Giddens, A. (1990). The consequences of modernity. Cambridge, UK: Polity Press, in association with Basil Blackwell, Oxford, UK.
- Harvey, D. (1999). The Limits to Capital.UK: Verso Press.
- Katznelson, I. (1992). Marxism and the city. Oxford: Clarendon Press.
- King, A. (1991). Culture, Globalizaton and the World System: Contemporary Conditions for the Representation of Identity, University of Minnesota Press.
- Lefebvre, H. (1976–1978) De l'etat: Les contradictions de l'etat moderne (4 vols.). Paris:Union Generale de l'Editions.
- Lefebvre, H. (1991 [1974]). The production of space (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, H. (1996). Writing on cities (E. Kofman & E. Lebas, Trans.). Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, H. (2009). State, space, world: Selected essays (N. Brenner & S. Elden, Eds; G. Moore, N. Brenner, & S Elden, Trans.). Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Logan, J., & Molotch, H. (1987). Urban fortunes: The political economy of place. Berkeley: University of California Press.
- Madanipour, A. (1996). Design of Urban Space: An Inquiry into the Socio-spatial Process. NY: John Wiley and Sons.
- Massey, D. (1984). Spatial divisions of labor: Social structures and the geography of production. London: Macmillan.
- Pizarro, R.E, Liang Wei and Tridib Banerjee. (2003),Agencies of Globalization and Third World
- Urban Form: A Review, Journal of Planning Literature,pp. 111-130.
- Sassen, S. (2001).Global Cities and Developmentalist States: How to Derail What Could Be an Interesting Debate: A Response to Hill and Kim, Urban Studies,Vol(38),No(13),pp:2537-2540.
- Smith,N. (2003). Foreword. In H. Lefebvre, The urban revolution (pp. vii–xxiii).Minneapolis:University of Minnesota Press.
- Soja, E. (1980). The socio-spatial dialectic. Annals of the Association of American Geographers, 70, 207–225.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۷۰ ■